



## ترجمه‌های قرآن\*

نوشته: هارتموت بوبتسین

ترجمه: نصرت نیلساز

ترجمه قرآن در گسترش اولیه اسلام از چنان اهمیتی که فی‌المثل ترجمه انجیل در رواج مسیحیت داشت برخوردار نبود. این امر با نقش اعراب به عنوان مخاطبان و گروندگان اصلی اسلام و همچنین اهمیت روزافزون زبان عربی در سرزمین‌های تازه تسخیر شده مرتبط است. اعتقاد به اعجاز سبک قرآن نیز در این میان نقش مهمی داشت. در خود قرآن بر ماهیت عربی بودن آن بارها تأکید شده است (نک. یوسف، ۲؛ رعد، ۳۷؛ طه، ۱۱۳؛ زمر، ۲۸؛ فصلت، ۲-۳؛ شوری، ۷؛ زحرف، ۳). باور عمیق مسلمانان به اینکه تنها شکل معتبر تلاوت قرآن، تلاوت آن به زبان عربی است در همین عقیده ریشه دارد. تنها مذهب حنفی استثنائاتی در این رابطه قائل شده است؛ همان گونه که مراغی (متوفای ۱۹۴۵ م)، عالم حنفی الازهر، در سال ۱۹۳۲ آن را به تفصیل بیان کرده است.

### در جهان اسلام تا ابتدای قرن بیستم

مسئله قرائت قرآن را باید از انتقال محتوا یا به عبارت دیگر معنای آن، به زبانهای بومی اسلامی جدا ساخت. در کنار اهمیت فوق‌العاده سنت شفاهی انتقال قرآن، وعظ و سخنرانی نیز به همان اندازه نقش مهمی ایفا می‌کرد. قرآن همواره تلاوت و پس از آن متن عربی به

\* این مقاله ترجمه‌ای است از:

Bobzin, Hartmut, "Translations of the Qur'an", in *Encyclopedia of the Qur'an*, J. D. McAuliffe (ed), Leiden 2001-2006, vol 5, pp. 340-358.

زبانهای بومی توضیح و شرح داده می‌شد. از تفسیر زمخشری (متوفای ۵۳۸ق) ذیل آیه چهارم سوره ابراهیم، چنین برمی‌آید که او نه تنها ترجمه قرآن را مجاز می‌دانست، بلکه چنین ترجمه‌هایی عملاً وجود داشته است. حتی تفسیر متن قرآن را می‌توان برای غیر اعرابی که در زمره علما نیستند، به زبانهای مادری‌شان ترجمه کرد. قدیمی‌ترین نمونه از این دست، ترجمه تفسیر عظیم طبری، جامع البیان، به فارسی است<sup>۱</sup> که برای امیر سامانی، ابو صالح منصور بن نوح (حکومت: ۳۴۹-۳۶۳ق) فراهم آمد. تقریباً همزمان نسخه‌ای کهن به زبان ترکی بر مبنای نسخه فارسی پدید آورده شد. تعداد زیادی ترجمه ترکی از مهم‌ترین تفاسیر مانند انوار التنزیل بیضاوی (م. احتمالاً ۷۱۶) وجود دارد؛ اما تا کنون در رابطه با انتشار مهم‌ترین تفاسیر به زبانهای بومی، اقدام مهمی صورت نگرفته است.



نسخه‌های خطی متعدد دارای ترجمه‌های بین سطری، نشان دهنده این است که ترجمه‌های بومی نسبت به اصل عربی در درجه دوم اهمیت قرار داشتند. غالباً این ترجمه‌ها معنای برخی از واژه‌ها را به دست می‌دهند، و به ندرت نمایانگر متنی منسجم و یکپارچه‌اند. نوع اخیر [یعنی ترجمه کامل قرآن] عمدتاً پس از رواج گسترده صنعت چاپ در جهان اسلام، در قرن نوزدهم میلادی مرسوم شد.

حرکتهای جدی برای ترجمه قرآن در جریان رواریوی جهان اسلام و مسیحیت شکل گرفت. این حرکت ابتدا در اسپانیا در نتیجه غلبه دوباره مسیحیت، و در هند در اثر استعمار انگلیس آغاز گردید. در اسپانیا از قرن پانزدهم، ترجمه‌هایی از قرآن به الخامیدو، از گویشهای کهن اسپانیولی، صورت گرفت. این ترجمه‌ها به خط عربی نگاشته شده بود؛ اما ترجمه‌ای کامل، متعلق به سال ۱۶۰۶، که به خط لاتینی نگاشته شده نیز وجود دارد. (cf. Lopez-Morillas, *Six Morisco-versions*, 20). اگرچه

۱. البته این اثر در واقع ترجمه تفسیر طبری نیست؛ اگرچه به این نام مشهور است. در این باره بنگرید به: آذرنوش، آذرتاش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی ۱. ترجمه‌های قرآنی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۵-۶۳ به ویژه ص ۴۹-۶۳. (مترجم)

### ترجمه‌های قرآن ۷۳ □

محتمل نیست، اما باید اذعان کرد که بیشتر قطعه‌های باقیمانده از ترجمه قرآن به الخامیدو، از ترجمه‌ای به کاستیلیانی کهن تأثیر پذیرفته است که فقیه سگوویا، یعنی عیسی ذابجر که به عیسی شاذلی نیز مشهور است، در سالهای ۱۴۵۴ تا ۱۴۵۶ میلادی در ایتون/ساوی به درخواست کاردینال خوان سگوویایی فراهم آورد (نک: ادامه مقاله «ترجمه قرآن خارج از جهان اسلام تا سال ۱۷۰۰ میلادی»). آثاری از یک ترجمه قرآن به آراگونی را می‌توان در اثر جدلی خوان آندرس تازه‌مسلمان با عنوان شگفت‌زدگی در برابر دین محمد (والنسیا ۱۵۱۵) یافت.

در هند شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ق) در راستای تلاشهایش برای مدرن‌سازی، [مردم را] به ترجمه قرآن فراخواند و با اثر فارسی خویش فتح‌الرحمان بترجمان القرآن (۱۷۳۷ م) ترجمه‌ای فارسی از قرآن فراهم آورد که امروزه نیز قابل فهم و مفید است (این اثر نخستین بار به سال ۱۲۸۳/۱۸۶۶ در دهلی به چاپ رسید). پسران وی، شاه رفیع‌الدین (۱۷۴۹-۱۸۱۸ م) و شاه عبدالقادر (۱۷۵۳-۱۸۱۴ م) قرآن را به اردو ترجمه کردند (چاپ شده در کلکته به سال ۱۸۴۰، دهلی ۱۸۲۹).

در واقع با گسترش صنعت چاپ ترجمه‌های متعددی در هند به زبانهای محلی هندی مانند اردو (نخست در سال ۱۸۲۸ به وسیله عبدالسلام بدایونی)، سندی (۱۸۷۶)، پنجابی (۱۸۷۰)، گجراتی (۱۸۷۹)، تامیلی (۱۸۸۴) و بنگالی (۱۸۸۶؛ اتفاقاً این ترجمه به ابتکار گیش چاندراسین (۱۸۳۵-۱۹۱۰) یکی از پیروان کِشاب چاندراسین (۱۸۳۸-۱۸۸۴)، اصلاح طلب نو هندو، ارائه و بارها تجدید چاپ شد) منتشر شد. مطالعات فرسنگی حتی در قرن نوزدهم، قرآن و ترجمه‌های آن در سراسر جهان اسلام بسیار تأثیرگذار بود. نخستین ترجمه قرآن به زبان ترکی در ۱۸۴۲ در قاهره، و ترجمه‌ای ترکی از تفسیر جلالین در ۱۸۷۷ منتشر شد. ترجمه‌های ترکی در استانبول از سال ۱۸۶۵ به چاپ رسید. نخستین ترجمه فارسی قرآن در سال ۱۸۵۵ در تهران و اولین ترجمه پشتو در بهوپال به سال ۱۸۶۱ چاپ شد. نخستین ترجمه به زبان صربی - کروات بر اساس ترجمه‌ای فرانسوی در سال ۱۸۹۵ در بلگراد به چاپ رسید.

## در جهان اسلام در قرن بیستم

در نیمه نخست قرن بیستم، ترجمه‌های قرآن به مهم‌ترین زبانهایی که مسلمانان بدان سخن می‌گفتند، هنوز چاپ و منتشر نشده بود. در آسیا، این مسئله، ترجمه قرآن به بلوچی (۱۹۱۱)، براهویی (۱۹۱۶)، تلوگو (۱۹۸۳)، مالایی (۱۹۲۳)، اندونزیایی (۱۹۲۸)، چینی (۱۹۲۷) و ژاپنی (۱۹۲۰) را ضروری ساخت. در آفریقا ترجمه‌ای به زبان یوروبایی در سال ۱۹۰۶ ارائه شد. گادفری دیل و ج. دبلیو. برومفیلد ترجمه‌ای به زنگباری، یکی از لهجه‌های سواحلی، (چاپ در ۱۹۲۳) تهیه کردند. این ترجمه به رغم برجستگی و اعتبار زبانی، به سبب افزودن یک متن جدلی مسیحی، از نظر مسلمانان غیرقابل قبول بود. در این دوره دو عامل دیگر بسیار اهمیت یافت: فعالیت‌های تبلیغی جنبش احمدیه و تلاش‌های دولت کمال آتاتورک در ترکیه برای نگاشتن قرآن به خط لاتینی؛ با این هدف که تنها آوانگاری لاتینی را چاپ کند و متن عربی قرآن را منتشر نسازد.

هر دو فرقه موجود احمدیه، برای انتشار قرآن به زبانهای اروپایی (مانند انگلیسی، دانمارکی و آلمانی) اهمیت زیادی قائل بودند. از این رو در ترجمه‌های قدیمی تر احمدیه نوعی گرایش خردگرایانه آشکار است (مولونا محمد علی، ۱۹۱۷). برای مثال در چاپ انگلیسی سال ۱۹۲۰ (که متن آن عیناً متن نخستین چاپ در ۱۹۱۷ در لندن است)، واژه «نمل» یعنی مورچه، در سوره نمل اشاره به یک قبیله و «هُدُود» نام یک شخص، و نه شانه به سر، دانسته شده است. در جمله بعدی توضیح داده می‌شود که آیاتی که در پی می‌آید نشانگر این است که سلیمان درباره یکی از سردارانش سخن می‌گوید: «تصور مجازاتی سخت برای پرنده‌ای کوچک به وسیله یک مقام عظیم روحانی چون سلیمان، و ارائه عقیده دینی مهم توحید توسط یک پرنده، کاملاً غیرمعقول است» (ص ۷۴۷، یادداشت ۱۸۴۹). هنوز مطالعه جامعی بر ترجمه‌های مختلف احمدیه صورت نگرفته است. بحث درباره قرآن در جمهوری ترکیه، منجر به مباحث و گفت‌وگوهای مهم در الازهر گردید و به مقالات متعدد مهمی در مجله الازهر انجامید. (cf. Translations, Paret/Pearson, 429 f.) محمود شلتوت (۱۸۹۳-۱۹۶۳)، شیخ الازهر، در مقاله‌ای به سال ۱۹۳۶، با این استدلال که ترجمه‌ها نیز حاوی معنای کلام خدایند، آشکارا از ترجمه قرآن برای غیرعربها استقبال کرد. در مقابل، نویسنده انگلیسی تازه‌مسلمان، مارمادوک پیکتال (۱۸۷۵-۱۹۳۶)، موضعی بحث‌برانگیز

## ترجمه‌های قرآن ۷۵ □

اتخاذ کرد. او در ۱۹۳۰ ترجمه‌ای از قرآن با عنوان معنای قرآن مجید منتشر ساخت و آن را چنین توصیف کرد: «نخستین ترجمه انگلیسی قرآن به وسیله یک انگلیسی مسلمان» (p. vii). او در مقدمه نوشت: «قرآن قابل ترجمه نیست. این باور عالمان سلف و عقیده نویسنده حاضر است. این ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از قرآن است و هرگونه تلاشی برای انتخاب زبان مناسب صورت گرفته است. اما حاصل کار قرآن مجید نیست؛ آن سمفونی بی‌بدیل که هر نوای آن، انسان را به وجد می‌آورد و اشک او را جاری می‌سازد. این صرفاً تلاشی برای ارائه معنای قرآن - و شاید بخشی از زیبایی آن - به انگلیسی است؛ اما هرگز جای قرآن عربی را نمی‌گیرد و چنین قصدی هم ندارد» (همانجا).

### TRANSLATIONS OF THE QUR'AN

It is a well-known fact that the Qur'an has been translated into many languages since its revelation. The first translation was made in the year 628 AD when it was translated into Persian by the Sassanid King Khosrow II. This was followed by translations into Greek, Latin, French, German, Italian, Spanish, and many other languages. The first English translation was published in 1734 by George Sale. Since then, many other English translations have appeared, each with its own merits and demerits. The present translation is an attempt to provide a more accurate and readable version of the Qur'an in English. It is based on the Arabic text of the Qur'an as preserved in the original manuscripts. The translation is intended for those who are interested in the meaning of the Qur'an and who are unable to read the Arabic text. It is not intended to replace the Arabic text, but to provide a more accessible version of the Qur'an to a wider audience.

### TRANSLATIONS OF THE QUR'AN

The present translation is an attempt to provide a more accurate and readable version of the Qur'an in English. It is based on the Arabic text of the Qur'an as preserved in the original manuscripts. The translation is intended for those who are interested in the meaning of the Qur'an and who are unable to read the Arabic text. It is not intended to replace the Arabic text, but to provide a more accessible version of the Qur'an to a wider audience.

Hoofd Mededel

Hoofd Mededel

### Translations of the Qur'an

Translations of the Qur'an do not have the same significance during the early period of Islam that, for example, translations of the Bible had during the period of Christianity. This is because in the early period of Islam, the Qur'an was regarded as the original source of revelation and the source of law. It was not until the late period of Islam that the Qur'an was regarded as a book of wisdom and guidance. The present translation is an attempt to provide a more accurate and readable version of the Qur'an in English. It is based on the Arabic text of the Qur'an as preserved in the original manuscripts. The translation is intended for those who are interested in the meaning of the Qur'an and who are unable to read the Arabic text. It is not intended to replace the Arabic text, but to provide a more accessible version of the Qur'an to a wider audience.

ترجمه پیکتال، که توضیحات تفسیری بسیار اندکی دارد، با استقبال چشمگیر مسلمانان مواجه شد و هنوز هم تجدید چاپ می‌شود (برای مثال در سال ۱۹۹۶ در استانبول بار دیگر به چاپ رسید). تازه‌مسلمان برجسته دیگر، روزنامه‌نگار اتریشی، لئوپولد وایس (۱۹۰۰-۱۹۹۲) بود که پس از تغییر کیش، نام محمد اسد را برگزید و بعدها یکی از دیپلمات‌های پاکستان شد. او در ۱۹۸۰ ترجمه‌ای انگلیسی از قرآن را در جبل طارق منتشر کرد.

چهار سال پس از پیکتال، یعنی در ۱۹۳۴،

ترجمه‌ای دیگر عرضه شد که هنوز هم متداول است. این ترجمه به دست دانشمند هندی، عبدالله یوسف علی (۱۸۷۲-۱۹۵۱) صورت گرفته و به وضوح پاسخی به کار پیکتال است. او در مقدمه با عنوان ترجمه‌های قرآن، درباره ترجمه پیکتال می‌نویسد: «این ترجمه تقریباً لفظ به لفظ است و به سختی می‌توان انتظار داشت که بتواند تصویری مناسب از کتابی به دست دهد که به تعبیر خود او «سمفونی بی‌بدیلی است که هر نوای آن، انسان را به وجد می‌آورد و اشک او را جاری می‌سازد». شاید تلاش برای اینکه این سمفونی را به زبانی دیگر بسراییم،

غیرممکن باشد؛ اما من با شجاعت تمام این سعی را کرده‌ام». یوسف علی در حاشیه‌های فراوانش بر این ترجمه دوزبانه (متن عربی به خط پیر عبدالحمید)، در تلاش برای ارائه تفسیری معاصر است که هدف اصلی آن پاسخگویی به این پرسش است: «پیام خدا چه هدایتی برای ما دارد؟».

پس از جنگ جهانی دوم، شاهد تلاش روزافزون برای در دسترس قرار دادن قرآن به زبانهای مختلف تا سرحد امکان هستیم. همواره انگیزه عقیدتی این بوده که هدف اصلی ترجمه، تبیین معنای قرآن باشد. از این پس تعداد ترجمه‌هایی که به وسیله مسلمانان صورت گرفت بسیار بیشتر از ترجمه‌های غیرمسلمانان بود و بر همین اساس ترجمه‌های متعددی به زبان انگلیسی منتشر گردید. در این میان ترجمه عبدالمجید دریابادی (لاهور ۱۹۵۷)، ترجمه محمد ظفرالله خان (چاپ نخست در لندن، ۱۹۷۱) که مورد توجه جنبش احمدیه واقع شد، شایان ذکرند. هر دو ترجمه مشتمل بر توضیحات تفصیلی اند. نخستین ترجمه آمریکایی را ایروینگ انجام داد (ورمونت، ۱۹۸۵). در سال ۱۹۵۹ دانشمند هندی، محمد حمیدالله، از اهالی حیدرآباد، ترجمه‌ای عالی به زبان فرانسه منتشر ساخت. این ترجمه بیش از دوازده بار به چاپ رسید و به ترکی هم برگردانده شد. حمیدالله قبل از آغاز ترجمه، مروری بسیار ارزشمند بر ترجمه‌های قبلی قرآن داشته است. در سال ۱۹۷۲، شیخ سی حمزه بوبکر، ترجمه‌ای به فرانسه همراه با توضیحات مفصل مبتنی بر منابع روایی منتشر کرد، که به ویژه در میان مهاجران شمال آفریقا متداول است. در دهه ۱۹۹۰، برای نخستین بار برگردانهای مستقل متعددی به آلمانی به وسیله مسلمانان عرضه شد. افزایش شمار مسلمانان مهاجر از کشورهای مختلف اسلامی در کشورهای اروپایی از اهمیت بسزایی برخوردار بود. این پدیده سبب شد که مسلمانان برگردان قرآن به زبان کشور میزبان را وظیفه خود بشمرند. همزمان، اقدامات تبلیغی اسلامی در سراسر جهان، به ویژه کشورهای جنوبی صحرای آفریقا، شدت گرفت. در این شرایط مجمع ملک فهد برای چاپ قرآن در مدینه (تأسیس در ۱۹۸۲، گشایش در ۱۹۸۴، آدرس سایت مجمع: [www.qurancomplex.org](http://www.qurancomplex.org)) اهمیت ویژه‌ای یافت. هدف اصلی این مؤسسه عرضه رایگان «متن عربی قرآن، به همراه ترجمه معانی آن» در سرتاسر جهان است. در حال حاضر برگردانهای قرآن به ۴۴ زبان (۲۳ زبان آسیایی، ۱۱ زبان آفریقایی، ۱۰ زبان اروپایی) در دسترس است. همه این نسخه‌ها که با تکنیک‌های فوق‌العاده



## □ ۷ ترجمه‌های قرآن

چاپ و صحافی تهیه می‌شوند، دوزبانه‌اند و برخی مشتمل بر تفسیر نسبتاً مشروحی نیز هستند. اما در عین حال، برخی ترجمه‌ها بدون متن عربی نیز چاپ شده‌اند.

### ترجمه‌های قرآن خارج از جهان اسلام تا حدود ۱۷۰۰ میلادی

در قرون وسطا و دوره پیش از عصر جدید، ترجمه قرآن به وسیله غیرمسلمانان، از مناقشات جدلی با اسلام نشأت می‌گرفت. هیچ ترجمه کاملی از قرآن به یونانی باقی نمانده است. اما می‌توان پاره‌هایی از ترجمه به یونانی را در آثار جدلی متکلمان بیزانسی مانند نیکتاس بیزانسی (قرن سوم هجری/نهم میلادی؛ cf. Versteegh, *Greek translations*) یافت. همچنین اشاراتی به یک ترجمه احتمالاً سریانی از قرآن در رساله جدلی بر صلیبی (م. ۱۱۷۰/۵۶۵؛ cf. Mingana, *Ancient Syriac translation*) از متکلمان شام غربی، علیه یهودیان، نسطوریان و مسلمانان یافت می‌شود. قرآن بارها به طور کامل به لاتینی ترجمه شده اما تنها دو ترجمه آن به چاپ رسیده است: ترجمه روبرت کتونی (م. ۱۱۴۳/۱۱۴۲)، چاپ در بازل، (۱۵۳۴) و لودویگو ماراچی (چاپ به همراه متن عربی در پادوا، ۱۶۹۸؛ چاپ متن لاتینی به تنهایی توسط کریستین رنکسیوس، لایپزیگ، ۱۷۲۱). کهن‌ترین ترجمه کامل قرآن به زبان لاتینی، در سالهای ۱۱۴۳/۱۱۴۲ در اسپانیا با تلاش پطرس مکرم (۱۰۹۲-۱۱۵۶)، راهب اعظم دیر کلونی، صورت گرفت. دانشمند انگلیسی، روبرت کتونی (تاریخ حیات نامشخص) این ترجمه را به انجام رساند و در این کار از شخصی به نام محمد که زبان مادری اش موریشی بود، کمک گرفت. این ترجمه به همراه تعدادی از متون اسلامی غیرقرآنی، احتمالاً به سبب پیوند با دیر کلونی، در اروپا رواج چشمگیری پیدا کرد. اما در قرون پانزدهم و شانزدهم، خوان سگوویایی در مقدمه ترجمه خود (ادامه مقاله)، مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۶۴) در اقتباس آلمانی خود از کتاب بر ضد افسانه اعراب [مسلمانان] (۱۵۴۲) اثر ریکولدو، و سرانجام یوستوس ژوزف اسکالیژه (۱۵۴۰-۱۶۰۹؛ cf. Bobzin, *Reformation*), (38, n. 27)، به شدت از آن انتقاد کردند. مهم‌ترین اشکال این ترجمه آن است که ویژگی بارز قرآن در بیان کلام خدا در قالب اول شخص مفرد با تعابیر صرفاً اشاری، مبهم و نامشخص شده است. با این همه، به سبب انتشار آن در سال ۱۵۴۳ به عنوان یک کتاب مرجع، تأثیر شگرف خود را حتی تا قرن هفدهم حفظ کرد. این نسخه اساس اولین ترجمه ایتالیایی قرآن

که به طور کامل باقی مانده است، گردید (نک. ادامه مقاله).

دومین ترجمه کامل قرآن به زبان لاتینی، به حوزه مناقشات جدلی با عقیده موحدان (که در قرن ششم - هفتم هجری/دوازدهم - سیزدهم میلادی در شمال آفریقا و اسپانیا فرمان می‌راندند)، تعلق دارد. مارک طلیطله‌ای (تاریخ دقیق حیات نامشخص) با حمایت اسقف اعظم، دون رودریگو خیمنس در ادا (۱۱۷۰-۱۲۴۷)، ظاهراً با عدم آگاهی از ترجمه کتونی، ترجمه‌ای جدید و کاملاً تحت‌اللفظی از قرآن فراهم آورد. اما این ترجمه خارج از اسپانیا رواجی نیافت (cf. d'Alverny and Vajda, *Marc de Tolède*). سومین ترجمه لاتینی را خوان سگوویا (حدود ۱۳۹۸-۱۴۵۸) صورت داد؛ که در حقیقت حاصل ثانویه ترجمه قرآن به زبان کاستیلیانی کهن است که وی به کمک دانشمند مسلمان عیسی بن جابر (عیسی شاذلی) انجام داده بود. هر دو ترجمه، جز مقدمه ترجمه لاتینی، از بین رفته است (cf. Gázquez, *Prólogo*). چهارمین ترجمه لاتینی را یوهانس گابریل ترولنیس (تاریخ دقیق حیات نامشخص) به دستور کاردینال واتیکان، آیگیدیوس (۱۴۷۰-۱۵۳۲) از اهالی ویترو، انجام داد. ویژگی ارزشمند این ترجمه، که دو تحریر از آن به جا مانده، ستونی از یادداشت‌های فراهم آمده بر اساس تفاسیر اسلامی قرآن است (cf. Burman, *Latin-Arabic Quran*). *edition* که در کنار آوانگاری متن عربی به لاتینی قرار دارد. دیگر ترجمه لاتینی که دو نسخه خطی آن شناخته شده است، به سرآسقف بیزانسی، کیرییلوس لوکاریس (۱۵۷۲-۱۶۳۸) منسوب است. دو نسخه خطی نیز از ترجمه فرانسیسکا دومینیکوس گرمانوس در سیلزیبا (۱۵۸۸-۱۶۷۰) باقی مانده است (cf. Devic, *Traduction inédite*).

ترجمه لودویکو ماراچی (۱۶۱۲-۱۷۰۰) در سال ۱۹۶۸، در شرایطی کاملاً جدید تکوین یافت. ماراچی در ترجمه خود توانست از مجموعه نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه واتیکان، که در زمان خود بسیار غنی بود، بهره گیرد (cf. Nallino, *Fonte arabe*). ماراچی در این کتابخانه، مهم‌ترین تفاسیر قرآن را یافت و از آنها در ترجمه خود بسیار استفاده کرد. همچنین او بخشهای زیادی از این تفاسیر را به همراه ترجمه لاتینی آنها به چاپ رساند. ترجمه ماراچی به دلیل صحت و اعتبار، امروزه نیز سودمند و کارآمد است. ادوارد دنیسون راس درباره ترجمه ماراچی سخنی متین و استوار دارد: «این ترجمه شاهکاری برجسته در عرصه پژوهش، و گامی بسیار فراتر از بیشتر آثار شرق‌شناسی آن دوره است (Ross



ترجمه ماراچی مانند ترجمه‌های لاتینی چاپ شده قبلی، مرجع و مبنایی برای ترجمه به سایر زبانهای اروپایی گردید. ترجمه آلمانی داویت نرتر (۱۶۴۹-۱۷۲۶)، کشیش اهل نورنبرگ، حاوی ارجاعات مستقیم و آشکار به ترجمه ماراچی است. نرتر، جامع ادیان جهان، اثر نویسنده اسکاتلندی، الکساندر راس، در بررسی تطبیقی ادیان را بازنگری کرد که به تألیف اثر حجیم وی به نام مساجد اسلامی تازه تأسیس (نورنبرگ، ۱۷۰۳) انجامید. [در این اثر] پس از توضیح کلی درباره اسلام بر اساس منابع شناخته شده آن دوران، متن آلمانی قرآن و در پی آن ترجمه‌ای که بر اساس برگردان لاتینی ماراچی است، آورده شده است. اثر نرتر هنوز به شدت از سنت جدلی ضداسلامی قرن پیش متأثر است. هدف او از ترجمه قرآن این است که قرآن را کتابی گمراه کننده معرفی کند. این اثر که به لحاظ زمانی، سومین برگردان آلمانی قرآن است، هیچ بازتاب قابل توجهی نداشت. نخستین ترجمه مجاری قرآن، به وسیله ایمره بوزیتای زدمایر و دیوردی گیدیون (ت ۱۸۳۱)، نیز بر مبنای برگردان ماراچی است.

قدیمی‌ترین ترجمه کامل قرآن به زبان ایتالیایی، نسخه‌ای است که ناشر ونیزی، آندره آریوآنه به سال ۱۵۴۷ آن را منتشر ساخته است. اگرچه در عنوان آن ذکر شده که «این ترجمه‌ای جدید از اصل عربی است» اما همان طور که یوستوس یوسف اسکالیژه و توماس ارنیوس، دو تن از لغت‌شناسان بزرگ لایدن خاطرنشان ساخته‌اند، این ترجمه در اصل صرفاً مبتنی بر ترجمه‌ای لاتینی از قرآن است که تئودور بیلیاندر در ۱۵۴۳ صورت داده بود. قرآن چاپ آریوآنه، در سه جلد سامان یافته بود که متن قرآن فقط در جلد دوم و سوم آمده بود. جلد نخست شامل سه رساله است: تاریخ اعراب [مسلمانان] گمراه و نادان؛ خاستگاه [دین] محمد و گسترش آن؛ آیین محمد. این سه رساله به همراه ترجمه‌ای از قرآن در مجموعه طلیطله چاپ شده است (cf. Bobzin, Reformation, 264f). نخستین ترجمه آلمانی قرآن، به وسیله سالمون شوایگر (۱۵۵۱-۱۶۲۲)، کشیش وقت نورنبرگ، مبتنی بر ترجمه آریوآنه است.

شوایگر در مقدمه ترجمه که نخستین بار در ۱۶۱۶ منتشر شد، نوشته که در یک سفر تبلیغی به استانبول ترکیه (۱۵۷۸-۶۱)<sup>۱</sup>، برای نخستین بار با ترجمه آریوآنه آشنا شده است. چاپ شوایگر در تألیف و تنظیم کاملاً متکی بر چاپ آریوآنه؛ و در کمال شگفتی فاقد هر

۱. به نظر می‌رسد که در متن اصلی اشتباهی رخ داده و تاریخ صحیح ۱۵۷۸ تا ۱۶۱۶ است. (مترجم)

گونه اشاره به ترجمه لاتینی بیبلیاندر است. در سال ۱۶۵۹، نسخه‌ای از کار شوایگر، مشتمل بر یک بخش تفسیری گسترده، به وسیله مؤسسه برجسته انتشاراتی انترز، بدون ذکر حتی نامی از شوایگر به عنوان مترجم، به چاپ رسید (تجدید چاپ در ۱۶۶۴). نخستین برگردان قرآن به هلندی، چاپ شده در ۱۶۴۱، نیز مبتنی بر کار شوایگر است که نام وی در صفحه عنوان به اشتباه زویگر (Swigger) آمده است. نام مترجم هلندی نامعلوم و محل انتشار ذکر شده (هامبورگ) نیز نادرست است.

اولین ترجمه فرانسوی قرآن (پاریس ۱۶۴۷) را آندره دوری‌یه (م. ۱۶۷۲) انجام داده است. وی با حمایت دیپلمات فرانسوی، فرانسوا ساواری د پرو (م. ۱۶۱۸)، ترکی، عربی و احتمالاً فارسی را در سالهای ۱۶۱۶-۱۶۲۱ در مصر آموخت. او در عرصه سیاست، ابتدا به عنوان قائم مقام کنسول فرانسه در اسکندریه و قاهره و سپس به عنوان مترجم و سفیر در استانبول فعالیت می‌کرد. وی یکی از نخستین مطالعات را درباره دستور زبان ترکی انجام داد و آن را به چاپ رساند (۱۶۳۰؛ ۱۶۳۳) و یکی از مشهورترین آثار ادبیات فارسی یعنی گلستان سعدی را به فرانسوی ترجمه کرد (۱۶۳۴). ترجمه دوری‌یه نخستین ترجمه کامل قرآن به یکی از زبانهای اروپایی و موفقیت ادبی بی نظیری بود. چاپ مکرر آن در فرانسه و چاپهای حتی بیشتر آن در هلند بر این امر گواه است. دسترسی آسان به قرآن با علاقه‌ای نوپا به شرق همراه شده بود. افزون بر این، ترجمه دوری‌یه لحن جدلی آثار پیشین را که [آشنایی مؤلفان آنها با قرآن] عمدتاً در محیط کلیسا شکل گرفته بود، نداشت. دوری‌یه از تفاسیری چون انوارالتنزیل بیضاوی، تفسیر جلالین اثر المحلی و سیوطی و رساله‌ای از مفسر برجسته فخر رازی که راغی تونسسی با عنوان التویر فی التفسیر فراهم آورده، گاه‌گاه و صرفاً با اشاره‌ای بدانها در حاشیه، استفاده کرده است. لحن ملامت‌آمیز موجود در بخش مقدمه با عنوان: «خلاصه‌ای از دین ترکها» را می‌توان تلاشی برای پنهان سازی دانست (cf. Hamilton and Richard, André du Ryer, 94f).

موفقیت ترجمه دوری‌یه، به رغم کاستیهای لغوی، که معاصرانش هم بدان پی برده بودند، ناشی از این است که مبنایی برای ترجمه‌های دیگر گردید. دو سال پس از نخستین چاپ نسخه فرانسوی، یعنی در ۱۶۴۹، الکساندر راس، نویسنده اسکاتلندی، که پیشتر در رابطه با ماراچی و نریر از او یاد کردیم، ترجمه‌ای انگلیسی از نویسنده‌ای نامعلوم منتشر ساخت.

## ترجمه‌های قرآن (۸) □

راس بر این ترجمه، مقدمه‌ای شامل گزارشی کاملاً سستی از زندگی محمد [ص] و توضیحات گسترده‌ای درباره اسلام نگاشت. عنوان فرعی این اثر: باخطار و هشدار ضروری برای کسانی که مشتاقند بدانند مطالعه قرآن چه فواید یا خطراتی دارد، آشکارا نمایانگر مشکلات ناشی از سانسور موجود در آن دوران است. موفقیت این کتاب از تجدید چاپ آن در همان سال اول انتشار، یعنی ۱۶۴۹، و همچنین سال ۱۶۸۸ نمایان است. سرانجام این ترجمه ضمیمه جلد چهارم تاریخ کامل ترکها از آغاز در سال ۷۵۵ تا سال ۱۷۱۸ تألیف دیوید جونز (لندن ۱۷۱۸) گردید. ترجمه بدون ذکر نام راس، بعد از زندگینامه محمد [ص] تألیف همفری پریدوکس (۱۶۴۸-۱۷۲۴) آورده شده است. نکته بسیار جالب توجه این است که نخستین ترجمه‌ای که در آمریکا چاپ و منتشر گردید، ترجمه راس بود (اسپرینگفیلد ۱۸۰۶) نه ترجمه سیل (نک. ادامه مقاله)، که در آن زمان در بریتانیا کاملاً جایگزین برگردان راس شده بود.

دومین زبان اروپایی که قرآن چاپ دوری به بدن برگردانده شد، زبان هلندی بود. منونیت یان هندریکس گلازه ماکر مترجمی متخصص در زبانهای لاتینی، فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی بود. فهرست آثاری که وی ترجمه کرده (از جمله برخی آثار سقراط و اسپینوزا)، چشمگیر است. ترجمه قرآن او نثری موزون و زیبا دارد که معلوم است مخاطبان آن کسانی‌اند که به ادبیات، بیش از مطالعه اسلام از جنبه‌های کلامی علاقه‌مندند (Hamilton and Richard, *André du Ryer*, 115). برای نخستین بار در آمستردام به چاپ رسید. این برگردان به همراه زندگی محمد [ص] برگرفته از ترجمه لاتینی توماس ارپنیوس از کتاب تاریخ اعراب [مسلمانان] مورخ قبطی، المکین (جرجیس بن العمیدم. حدود ۱۲۷۳)، و رساله‌هایی از آثار مختلفی که کشیشان درباره محمد [ص] نگاشته بودند، منتشر گردید (cf. Hamilton and Richard, *André du Ryer*, 115f). علاوه بر این متنی درباره معراج محمد [ص] به آسمان و تحریری از به اصطلاح مسائل عبدالله بن سلام (cf. Bobzin, *Reformation*, p 334, n. 310 and 312). که پیشتر در مجموعه طلیطله چاپ شده بود، بدان افزوده شد. ترجمه قرآن گلازه ماکر موفقیتی فوق‌العاده یافت و تا ۱۷۳۴ شش بار به چاپ رسید. او دومین ترجمه آلمانی قرآن را براساس برگردان هلندی انجام داد. این ترجمه نه به شکل مستقل، بلکه به عنوان بخشی از مجموعه واژه‌نامه کلمات غریب (هامبورگ ۱۶۸۸) چاپ برهارت و رنر هاپل، نویسنده برجسته اواخر قرن هفدهم، منتشر گردید. در این

نسخه، دور تا دور متن قرآن را تصویری کلی از عالم که در آن «ملل آسیایی، آمریکایی و آفریقایی» نشان داده شده، فرا گرفته است. در این تألیف جامع و گسترده، ترجمه قرآن به دنبال توضیحات مبسوط و تفصیلی دربارهٔ امپراتوری عثمانی آورده شده است. اما تأثیر برگردان دوری به با سومین ترجمه آلمانی به پایان نرسید بلکه به دو ترجمه روسی از نسخه فرانسوی منتهی شد. نخستین بار پتر واسیلیف پوسنیکوف به دستور پتر کبیر در ۱۷۱۶ قرآن را به روسی ترجمه و در سن پترزبورگ منتشر کرد. دومین برگردان به قلم ادیب روسی، میخائیل ایوانویچ وِروکین (۱۷۳۳-۱۷۹۵)، در سال ۱۷۹۰، اندکی پس از چاپ اولین نسخه عربی قرآن در ۱۷۸۷ در سن پترزبورگ به دستور کاترین، امپراتریس روسیه، فراهم آمد. (Hamilton and Richard, *André du Ryer*, 117 f.)

### ترجمه‌های خارج از جهان اسلام در قرن هجدهم

در میان تمام ترجمه‌های مسیحی که تاکنون از آنها یاد کردیم، ترجمه‌ای که دانشمند و شرق‌شناس انگلیسی، جرج سیل (م. ۱۷۳۶)، عرضه کرد تا به امروز تأثیر خود را حفظ کرده است. به تعبیر فوک [این برگردان] با آراستگی و نظم تقریباً یکنواخت نشان می‌دهد آنچه مهم است برگردان واضح و کارآمد اثر است» (Fück, *Studien*, 104). سیل در ارزیابی ترجمه ماراچی می‌نویسد: «این ترجمه ... بسیار دقیق است، اما به حدی به ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاحات عربی پایبند بوده که فهمیدن آن دشوار شده است». ترجمه خود سیل بی‌هیچ شک براساس متن عربی است. وی برای توضیحات، مرتباً از تفسیر بیضاوی کمک گرفته است، اما پیوسته به ترجمه ماراچی مراجعه و در یادداشت‌های بسیاری که آورده به طور فراوان از برگردان ماراچی استفاده کرده است. [خاورشناس انگلیسی، ادوارد دنیسون] راس در مقدمه‌ای بر چاپ ترجمه سیل می‌نویسد: «دستاوردهای کار ماراچی به حدی بوده که کار سیل تا آنجا که به نقل از منابع عربی مربوط است، با صرف آگاهی از لاتین هم می‌توانسته است به انجام برسد» (E. D. Ross, ix) اما «گفتار آغازین» مبسوطی که سیل در ابتدای ترجمه خود آورده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در آنجا وی توضیحات مفصلی دربارهٔ تاریخ و دین اعراب پیش از اسلام ارائه و در این میان بیش از هر چیز بر کتاب پدیدهٔ تاریخ اعراب، اثر ادوارد پوکاک (۱۶۰۴-۱۶۹۱) که در ۱۶۵۰ چاپ شده بود، تکیه کرده

### ترجمه‌های قرآن ۸۳ □

است. افزون بر این او مقدمه‌ای کلی درباره قرآن و مروری اجمالی بر مهم‌ترین فرق اسلامی آورده است. موفقیت برگردان سیل فوق‌العاده بود. تنها در قرن هجدهم، چهار بار و در قرن نوزدهم بیش از ۶۰ بار به چاپ رسید. این ترجمه هنوز هم در بازار وجود دارد. از سال ۱۸۲۵، نسخه‌هایی حاوی «مروری بر زندگی جورج سیل» به قلم ریچارد آلفرد داوِنپورت (م. ۱۸۵۲)، و یادداشت‌های تفصیلی مبتنی بر ترجمه فرانسوی ساواری (نک. ادامه مقاله) در دسترس است. این کار در سالهای ۱۸۸۲-۱۸۸۶ به وسیله الوود موریس وری (م. ۱۹۲۷)، با عنوان تفسیری کامل بر قرآن، بدون افزودن چیزی اساسی به چاپ رسید. افزون بر این، چاپ ۱۹۲۱ که خاورشناس انگلیسی ادوارد دنیسون راس، مقدمه‌ای عالمانه بر آن نگاشت شایان ذکر است. او نشان داد که سیل تا چه اندازه مرهون کار ماراچی است (نک. سطور قبل).

ترجمه سیل مبنای چهارمین برگردان آلمانی قرآن گردید. مترجم تئودور آرنولد (۱۶۸۳-۱۷۶۱) معلم زبان انگلیسی بود که کتابی بسیار متداول و ثمربخش درباره دستور زبان انگلیسی (لایزیگ ۱۷۳۶) نیز نگاشته و آثار زیادی از جمله تاریخ اعراب [مسلمانان] اثر اُکلی را از انگلیسی به آلمانی برگردانده بود. این ترجمه در ۱۷۶۴ در لمگو منتشر شد و اگرچه رواج چندانی نیافت اما گوته در دیوان غربی-شرقی و ضمیمه آن، یادداشت‌ها و مقالات کوتاه، از آن استفاده کرد. علاوه بر این، آکسی و اسیلیف کُلماکوف سومین ترجمه روسی قرآن (سن پترزبورگ ۱۷۹۲) و ایشتوان سوکلی (۱۸۲۲-۱۹۰۴) اولین ترجمه مجاری را بر اساس برگردان سیل فراهم آوردند.

نخستین برگردان آلمانی از اصل عربی را دانشمند اهل فرانکفورت، داویت فردریش میگرلین، در ۱۷۷۲ منتشر ساخت. از درج عبارت نامناسب مقابل صفحه عنوان، می‌توان نتیجه گرفت که میگرلین کاملاً به سنت جدلی مسیحی علیه اسلام پایبند است. گوته این ترجمه را اسفبار خوانده است. یک سال بعد (۱۷۷۳)، ترجمه مستقیم دیگری از عربی به وسیله فردریش ابرهارت بویزن (م. ۱۸۰۰)، کشیش کودلینبورگ، عرضه شد. یکی از معاصران در بررسی و ارزیابی، از این ترجمه به دلیل تمایل به ارائه تعبیر نادرست، انتقاد کرده است. این برگردان در ۱۷۷۵ مجدداً به چاپ رسید. در ۱۸۲۸ ساموئل فردریش گونتر وال (۱۷۶۰-۱۸۳۴) خاورشناسی که در آن زمان در هاله/ساله تدریس می‌کرد، برای رد انتقادهای شدید فلاشر (۱۸۰۱-۱۸۸۸)، برجسته‌ترین متخصص عربی آلمان آن زمان از این

برگردان، آن را بازنگری و چاپ کرد.

در ۱۷۸۳، کلود ایتین ساواری ترجمه‌ای جدید به فرانسوی عرضه کرد. آنچه‌آن که خود ساواری در مقدمه نوشته، این برگردان حاصل اقامت طولانی وی در مصر است. از این رو می‌توان ساواری را نخستین مترجم قرآن دانست که «زیبایی سبک و شکوه تصویرپردازی‌های قرآن» را لمس کرده بود. به همین دلیل او به حق می‌تواند ترجمه دوری به را چنین توصیف کند: «یک راپزودی<sup>۱</sup> بی‌روح و بی‌نشاط... به هنگام خواندن این ترجمه هرگز نمی‌توان پنداشت که قرآن شاهکار زبان عربی است». بنابراین او تلاش کرد ویژگی‌های زبانی سبک قرآن را در برگردان خود دقیقاً حفظ کند: «در حد توان سعی کرده‌ام از ایجاز، شور و حرارت و شکوه سبک قرآن تقلید کنم». افزون بر این، ابهام و پیچیدگی سبک خاص موجود در این ترجمه را نباید بی‌اهمیت نشان داد. او در مقدمه، مطالبی درباره «زندگی محمد» برگرفته از [آثار] نویسندگان مختلف عرب، نگاشته است. یادداشت‌ها و توضیحات متن بسیار اندک، اما اساسی است؛ و بعدها به بخشی از ترجمه سیل افزوده شد. ترجمه ساواری که هفده چاپ مختلف از آن وجود دارد، هنوز هم مورد استفاده است و در بازار وجود دارد. ضمناً ساواری نخستین کسی بود که واژه قرآن Koran را به جای القرآن Alkoran که تا آن زمان در اروپا متداول بود، به کار برد. ترجمه اسپانیایی خوناکین گاراسیا - براؤ (۱۹۰۷) و ارناندس کاتا (۱۹۱۳) و یک ترجمه ناشناس ایتالیایی (۱۸۸۲) بر مبنای برگردان ساواری صورت گرفته است.

#### ترجمه‌های خارج از جهان اسلام در قرن نوزدهم

ترجمه دیگری از قرآن که هنوز در دسترس است، به وسیله آلبین دبیرشتاین کازیمیرسکی (م. ۱۸۸۷)، از مهاجران لهستانی به فرانسه، فراهم آمد. او از شاگردان سیلستر دسالی (م. ۱۸۳۸) بود و به عنوان مترجم از عربی و فارسی کار می‌کرد. برگردان کازیمیرسکی نخستین بار در ۱۸۴۰، به صورت بخشی از یک مجموعه سه جلدی با عنوان کتابهای مقدس شرقی به وسیله ژان پی یر گیوم پوتیه (م. ۱۸۷۳) چین شناس، به چاپ رسید. در این مجموعه ترجمه‌های شی کینگ و قوانین مانو نیز چاپ شده بود. قرار دادن برگردان قرآن

۱. Rhapsodie نوعی موسیقی کلاسیک که قطعات آن شاد و پرشور است. (مترجم)



## ترجمه‌های قرآن ۸۵ □

در کنار این ترجمه‌ها، در تاریخ دیدگاه‌هایی که از منظری کاملاً نوین به قرآن می‌نگرند، یعنی آن را سند یک دین جهانی، البته از فرهنگی مستقل می‌دانند، معنادار و قابل توجه است. در همان سال (۱۸۴۰) چاپی مستقل منتشر گردید که بارها تجدید شد. یکی از برجستگی‌های این ترجمه را حفظ لحن شاعرانه بسیاری از آیات قرآن دانسته‌اند (G. C. Anawati) شاهد دیگر بر اعتبار این ترجمه، قطعاً این است که دانشمندانی چون بوسکت (۱۹۵۹)، محمد آرکون (۱۹۷۰) و ماکسیم ژدنسون (۱۹۸۱)، هر یک با افزودن مقدمه‌ای جدید آن را دوباره به چاپ رساندند. ترجمه‌های اسپانیایی خوزه گاریر دروولس (۱۸۴۴) و بیسته آرتیس دِلا پوئولا (۱۸۷۲)، همچنین برگردان روسی نیکولایف (۱۸۶۴) همه بر مبنای ترجمه کازیمیرسکی است. علاوه بر ترجمه‌هایی از سایر زبانها، ترجمه کازیمیرسکی مبنای اصلی دو برگردان هلندی ال. ج. ا. تالسن (۱۸۵۹) و سالوم کیزر (۱۸۶۰) نیز بوده است.

در ۱۸۴۰، ترجمه‌ای آلمانی به وسیله لئو (لودویگ) باروخ اولمان، خاخام شهر کرفلد (م. ۱۸۴۳) منتشر گردید. اولمان در کار خود تحت تأثیر رساله دانشمند برجسته یهودی، آبراهام گایگر، با عنوان آنچه محمد از یهودیت گرفته است [!] قرار دارد. او در مقدمه این چنین بر باور خود تأکید می‌کند: «مزیت این ترجمه بر سایر ترجمه‌ها، مستند ساختن و یافتن دقیق همه مواردی است که محمد از یهودیت وام گرفته است». این ترجمه به رغم انتقادهای شدید عربی‌دانهای برجسته‌ای چون فلاشر (۱۸۰۱-۱۸۸۸) و تئودور نلدرکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰) از ضعف‌های لغوی آن، در ۱۸۹۷ برای نهمین بار به چاپ رسید. بازنگری لئو وینتر در ۱۹۵۹ هم این برگردان را بهتر نساخت. با این همه، این نسخه به رغم نارسایی‌های زبان‌شناسی، هنوز در آلمان کاملاً متداول است.

چند سال قبل از اولمان، شاعر و شرق‌شناس آلمانی، فردریش روکرت (م. ۱۸۶۶)، با مبنا قرار دادن چاپ جدید عربی قرآن توسط فلوگل، سعی کرد برگردانی شاعرانه از قرآن، همراه با حفظ موازین لغوی آن زمان، البته نه به صورت ترجمه کل قرآن، ارائه کند. برگردان روکرت نخستین بار پس از مرگ وی به چاپ رسید. آنه ماری شیمل درباره این ترجمه می‌نویسد: «روکرت با غریزه‌ای شاعرانه، زیبایی و قدرت شعری پاره‌هایی از متن را دریافته و سعی کرده آنها را به گونه‌ای که ویژگیهای اصلی - خواه قویاً شعری یا نثری - حفظ شود، ترجمه کند. نخستین ترجمه سوئدی قرآن را زبان‌شناس و دیپلمات سوئدی، ج. فردریک

کروستولپه (۱۸۰۱-۱۸۸۲) انجام داد که به همراه مقدمه‌ای تاریخی در ۱۸۴۳ منتشر گردید. پس از آن در ۱۸۷۴، کارل یوئان تورنبرگ (۱۸۰۷-۱۸۷۷)، یکی از شاگردان دِ ساسی، که از ۱۸۴۷ در لاند به مطالعات شرق‌شناسی اشتغال داشت، دومین برگردان سوئدی را فراهم آورد. تورنبرگ برگردانی سوئدی از زندگی محمد [ص] اثر نلدرکه را به عنوان مقدمه این ترجمه قرار داد (هانوفر ۱۸۶۳).

اولین ترجمه ایتالیایی قرآن از متن عربی را کاوالیثری وینچنتسو کالشا به دست داد (۱۸۴۷). نخستین نسخه لهستانی قرآن رایان مورتسا تاراک بوتساکی همراه با زندگی محمد [ص] لندن (۱۸۴۹/۱۸۵۰) اثر واشنگتن ایروینگ (م. ۱۸۵۹)، اطلاعاتی درباره جنبه‌های مختلف روابط لهستان و ترکها و تاتارها و نیز مطالبی درباره اعراب پیش از اسلام و قرآن (که برگرفته از «گفتار آغازین» سیل بر ترجمه‌اش است) به چاپ رساند. در ضمن تعدادی دعا نیز که از عربی ترجمه شده بود به این نسخه افزوده شد. این نسخه در ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ مجدداً به چاپ رسید.

در سال ۱۸۵۷ ترجمه عبری عالم یهودی هرمان رِ کندورف (م. حدود ۱۸۷۵) شایان توجه است؛ که شامل سه رساله درباره اعراب پیش از اسلام، زندگی محمد و قرآن نیز بود. جوزف جوئل ریولین ترجمه‌ای دیگر به عبری فراهم آورد (۱۹۳۷) که هنوز رایج‌ترین ترجمه در زبان عبری است و طی سالها بارها منتشر شده است. در ۱۹۷۱ آهارون بن شیمش سومین ترجمه عبری را منتشر ساخت. به این فهرست باید ترجمه عبری آری زبین در ۲۰۰۵ را نیز بیفزاییم.

در ۱۸۶۱ برگردان انگلیسی جدیدی از قرآن به وسیله جان مدوز رادول (م. ۱۹۰۰) که کشیش و از دوستان قدیمی داروین بود، عرضه شد. ویژگی عجیب این اثر آن بود که برای نخستین بار در ترجمه‌های قرآن، سوره‌ها به ترتیب نزول سامان یافته بودند. با اینکه رادول می‌توانست از آثار پیشین مانند محمد [ص] پیامبر اثر گوستاو وایل (اشتوتگارت ۱۸۴۳)، زندگانی محمد [ص] اثر ویلیام میور (لندن، زنده در ۱۸۵۸) و تاریخ قرآن نلدرکه (نخستین چاپ ۱۸۶۰) استفاده کند، اما دیدگاه‌های خود درباره ترتیب سوره را دنبال کرد و سوره‌های قدیمی‌تر را با توجه به مضمون و محتوا و نه اشارات تاریخی مرتب ساخت. یکی از ویژگیهای ارزشمند این برگردان، توجه رادول به ماهیت در اصل شفاهی قرآن است. [او در

## ترجمه‌های قرآن ۸۷ □

مقدمه می‌نویسد: «در رابطه با همهٔ سوره‌ها باید خاطر نشان سازیم که اینها همه متن‌هایی برای شنوندگان بود نه خوانندگان. تمام سوره‌ها از طریق قرائت در میان عموم مردم انتشار می‌یافت؛ و القای بسیاری از مطالب، آنچنان که از جملات مبهم برمی‌آید، به حالت و طرز بیان قاری سپرده شده بود». مارگلیوث در ۱۹۰۹، به هنگام بازنگری این ترجمه برای کتابخانه عمومی، اوری منز لایبرری، در مقدمه آن را چنین توصیف می‌کند: «این یکی از بهترین ترجمه‌هایی است که تاکنون ارائه شده است. احساس می‌شود فضایی را که محمد [ص] در آن می‌زیست تا حدود زیادی منتقل می‌سازد و آکنده از حال و هوای شرق است».

در ۱۸۷۵ اولین ترجمهٔ اسپانیولی از اصل عربی را فردی مسیحی به نام بنینگنود مورجوندوی اوگارتوندو فراهم آورد. این برگردان مانند ترجمهٔ ماراچی شامل ردیهٔ مفصلی بر مبنای دیدگاه کلیسای کاتولیک بود؛ که در عنوان آن کاملاً آشکار است. سه سال بعد (۱۸۷۸) نخستین ترجمهٔ جدید یونانی را گراسیموس آی پتیکز ارائه کرد؛ و تا ۱۸۸۷ سه نسخهٔ دیگر منتشر شد. اولین برگردان روسی قرآن از اصل عربی (چاپ نخست ۱۸۷۷/۱۸۷۹) را گوردی سمونویچ سابلوکوف (م. ۱۸۸۰) خاورشناس اهل قازان، بر اساس نسخهٔ مشهور به قرآن پترزبورگ (۱۸۷۸؛ نک. سطور بالا) فراهم آورد. در سومین چاپ این برگردان (۱۹۰۷)، متن عربی که به حروف عربی قازان نوشته شده بود، در صفحهٔ مقابل به چاپ رسید. این نسخه پس از جنگ جهانی دوم بارها بدون ذکر دقیق تاریخ انتشار، چاپ شد. اف ماکس مولر (م. ۱۹۰۰) ناشر مجموعهٔ مشهور کتابهای مقدس شرق، تهیهٔ برگردان قرآن برای این مجموعه را به شرق‌شناس کمبریج، ادوارد هنری پالمِر (م. ۱۸۸۲) سپرد. او این وظیفه را در زمان کوتاهی به انجام رساند. دو بخش این برگردان در ۱۸۸۰ به عنوان جلد‌های ششم و نهم این مجموعه منتشر گردید. پالمِر مقدمه‌ای تاریخی (pp. ix-lxxx) و «خلاصه‌ای از محتوای قرآن» (pp. lxxxi-cxviii) را به این اثر افزود. زمان اندکی که برای به انجام رساندن این برگردان صرف شد، به نتیجه‌ای منجر شد که استنلی لین - پول (۱۸۵۴-۱۹۳۱) آن را «کاستی مهم ناشی از ناپختگی» خواند. گیب (۱۸۹۵-۱۹۷۱) نیز آن را ترجمه‌ای «بسیار تحت‌اللفظی و ضعیف» توصیف کرد. با این همه برگردان پالمِر بارها به چاپ رسید و حتی در ۱۹۲۸ با افزودن مقدمه‌ای از رنلد آلین نیکلسون (۱۸۶۸-۱۹۴۵) در مجموعهٔ مشهور آثار «کلاسیک جهان» گنجانده شد. دو سال بعد (۱۸۸۲) اولین برگردان پرتغالی در ریودو ژانیرو،

بدون ذکر نام مترجم، عرضه گردید.

### ترجمه‌های قرن بیستم در خارج از جهان اسلام

پیشرفتهای مطالعات متن‌پژوهی تاریخی عربی در قرن نوزدهم در ابتدا تأثیر اندکی بر ترجمه‌های قرآن داشت. عربی‌دان آلمانی آگوست فیشر در جشن‌نامه تودور ئلدکه (Bezold, *Orientalische Studien*, i, 34 n. 1) نوشت: «در میان ترجمه‌های موجود قرآن، چه کامل یا ناقص، حتی یک برگردان نیز از نظر معیارهای دقیق واژه‌شناسی رضایت‌بخش نیست». این اظهار نظر نشان می‌دهد حتی در قرن بیستم هم ترجمه‌های دارای ضعف لغوی می‌توانند بسیار موفق باشند. نمونه خوبی از این دست، برگردان آلمانی ماکس هنینگ (م. ۱۹۲۷) است؛ او قطعاً عربی‌دان نبود. این نسخه اولین بار در ۱۹۰۱ در یک جلد در مجموعه فوق‌العاده متداول و رایج «کتابخانه جهانی» (یونیورسال بیبلیوتیک) که به وسیله انتشارات رکلام در لایپزیگ منتشر می‌شد، چاپ گردید. این چاپ در ۱۹۶۰، با بازنگری مختصر آنه ماری شیمل (م. ۲۰۰۳) توسط شعبه رکلام در اشتوتگارت آلمان غربی مجدداً منتشر شد. در ۱۹۶۸ به وسیله کورت رودولف، مورخ ادیان اهل لایپزیگ، بازنگری و در شعبه رکلام در لایپزیگ آلمان شرقی به چاپ رسید. این برگردان به جهت توضیح و تفسیرهای مفصل و دقیق مشهور است. ترجمه هنینگ خواندنی و روان، اما به لحاظ واژه‌شناسی غیرقابل اعتماد است. شایان ذکر است که مقامات ترکی این برگردان را برای مهاجران ترک منتشر ساختند. آخرین و مهم‌ترین بازنگری این ترجمه را مراد ویلفرید هوفمان تازه مسلمان انجام داد (چاپ نخست در استانبول ۱۹۹۸).

سه ترجمه دیگر بیش از اثر هنینگ شاهد پیشرفتهای متن‌پژوهی تاریخی بودند و تا به امروز با مقدمه‌های کمابیش متفاوت، تجدید چاپ می‌شوند: یک برگردان سوئدی (۱۹۱۷)؛ چاپ مفصل‌تر در ۱۹۷۱ و چاپ دیگری که اخیراً صورت گرفته است) از کارل ویلهلم زیرستین (۱۸۶۶-۱۹۵۳)، ترجمه‌ای ایتالیایی (۱۹۲۹)؛ تجدید چاپهای مکرر) از لوئیجی بونلی (۱۸۶۵-۱۹۴۷) و برگردانی فرانسوی (۱۹۲۹)؛ چاپ مفصل‌تر در ۱۹۹۸) از ادوئار مونته (۱۸۶۵-۱۹۳۴).

سه ترجمه دیگر به لحاظ ویژگیهای برجسته و ماندگار علمی متمایزند: برگردان انگلیسی

## ترجمه‌های قرآن ۸۹ □

ریچارد بل، ترجمه فرانسوی رژی بلاشر و برگردان آلمانی رودی پارت. نخستین مترجمی که سوره‌ها را به ترتیب نزول سامان داد رادول بود. عربی‌دان اسکاتلندی ریچارد بل (۱۸۷۶-۱۹۵۲)، پایه مرحله‌ای فراتر نهاد. اگرچه او در ترجمه‌اش (۱۹۳۷-۱۹۳۹) ترتیب سنتی سوره‌ها را دنبال کرد، اما در خود سوره‌ها، آیات را بر اساس خاستگاه تک تک آنها دوباره سامان داد. مبنای این کار، همان طور که در مقدمه توضیح داده شده، نظریه تألیف قرآن در سه دوره است: الف) دوره نخستین که تنها پاره‌هایی از آن به جا مانده است و عمدتاً شامل فهرستی از نشانه‌ها [آیات] و توصیه و ترغیب به پرستش الله است؛ ب) دوره قرآن، که سالهای پایانی دعوت محمد [ص] در مکه و یکی دو سال ابتدای اقامت در مدینه را در بر می‌گیرد؛ در این دوره او قرآنی فراهم آورد و موضوعات مهم وحی [کتب آسمانی] پیشین را به عربی بیان کرد؛ ج) دوره کتاب که حدوداً اواخر سال دوم هجرت آغاز گردید و طی آن محمد [ص] قطعاً یک کتاب، یعنی یک وحی [کتاب و دین] مستقل را عرضه کرد. ترجمه بل تصویری از این دوره‌های تألیف، در تک تک سوره‌ها نیز به دست می‌دهد. اگرچه تحلیل‌های بل را از هر جهت نمی‌توان پذیرفت، اما ترجمه بسیار دقیق او سرمایه‌ای ارزشمند برای فهم تاریخی متن قرآن است. هیچ یک از پژوهشگران به اندازه بل درباره ارتباط درونی سوره‌ها تأمل نکرده است. نسخه چاپی [این ترجمه] فاقد بسیاری از نکته‌ها و بیاناتی است که بل در توضیح آیات فراهم آورده بود. در ۱۹۹۱ دو جلد از تفسیر قرآن بل از میان مطالبی که بر جای نهاده بود استخراج و به وسیله بازورث و ریچاردسون منتشر گردید. در ۱۹۴۷، عربی‌دان فرانسوی رژی بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳)، مقدمه‌ای سه جلدی بر قرآن (درآمدی بر قرآن) و همچنین ترجمه‌ای جدید از قرآن ارائه کرد که در آن سوره‌ها (مانند ترجمه رادول) به ترتیب پیشنهادی نلدکه، البته با اندکی اصلاحات، سامان یافته بود. ترجمه بلاشر، تا آنجا که من می‌دانم، اولین ترجمه عالمانه‌ای است که متن قرآن چاپ قاهره (۱۹۲۳/۱۳۴۲) را مبنا قرار داده است. نکته قابل توجه دیگر در ترجمه دقیق و صحیح بلاشر، توجه مستمر به طرق مهم قرائت قرآن است، که احیاناً به ترجمه‌ای متفاوت از برداشت‌های سنتی از متن می‌انجامد. او پیوسته به دو تفسیر مفصل طبری (م. ۹۲۳/۳۱۰) و رازی و همچنین تفسیر بیضاوی و مدارک التنزیل و حقایق التأویل نسفی (م. ۱۳۱۰/۷۱۰) توجه دارد؛ اگرچه این توجه صرفاً به موارد نحوی محدود می‌شود.

رودی پارت (م. ۱۹۸۳) پیشتر در ۱۹۳۵، مقاله‌ای با عنوان «طرح یک ترجمه نوین و ساده تفسیری - علمی از قرآن» منتشر ساخت. در این مقاله او دیدگاه خود را درباره ترجمه‌ای با مبنای تاریخی توضیح داد؛ ترجمه‌ای که هدف اساسی آن «ارائه متن به همان صورتی است که معاصران پیامبر از زبان وی می‌شنیدند» (Paret, *Übersetzung*, I). از این رو باید از «تفاسیر عربی که آکنده از تفسیرهای متأخر غیرتاریخی متن است» (Paret, *Plan* 122) با احتیاط بسیار استفاده کرد. به جای آن باید در جست و جوی راه‌هایی برای فهم بخشهای دشوار از خود قرآن باشیم (همان). افزون بر این ترجمه پارت، که در ۱۹۶۲ پس از کارهای مقدماتی بسیار عرضه شد، دارای دو ویژگی متمایز و برجسته است که وی با دقت و موشکافی تمام در سراسر کار بدان اهتمام داشته است: نخست اضافاتی را که برای فهم متن ضروری است و «در حقیقت یک تفسیر تاریخی موجز است» (همان) به صورت جملات معترضه وارد متن ساخته است. دیگر آنکه اغلب ترجمه تحت‌اللفظی و نیز ترجمه‌های متفاوت دیگر را در پانوشته‌های نسبتاً اندک آورده است. در جلد مکمل با عنوان تفسیر و نمایه، که در ۱۹۷۱ به چاپ رسید، فرازهای مشابه قرآن را به طور مبسوط و با دقت بسیار ذکر، و برای بخشهای خاص توضیحات تاریخی ارائه کرده است. در رابطه با سبک ترجمه، پارت تأکید می‌کند که چون اهداف ارشادی مد نظر وی نبوده، در جهت ارائه سبکی فخیم تلاش نکرده است. این ترجمه با تغییرات و اصلاحات پارت به ویژه با در نظر گرفتن قرائتهای مختلف (مثل قرائت ابن مسعود [د. ۶۵۲/۳۲-۶۵۳])، در ۱۹۸۲ تجدید چاپ شد. برگردان آلمانی عادل تئودور خوری (۱۹۸۷)، کاملاً مبتنی بر برداشتهای پارت از متن قرآن است، البته بدون هیچ اشاره‌ای به ترجمه‌های احتمالی دیگر. خوری، تفسیری در دوازده جلد بر اساس این ترجمه منتشر کرد (۱۹۹۰-۲۰۰۱) که متأسفانه در مطالعات تاریخی و ادبی قرآن گامی به جلو محسوب نمی‌شود؛ زیرا صرفاً به طور گزینشی از پژوهشهای ادبی معاصر بهره جسته است. او در سال ۲۰۰۴، تفسیری مختصر به همراه متن و ترجمه در یک جلد منتشر کرد. ترجمه پارت، که ضمناً در ایران هم تجدید چاپ شده است (برای مثال، قم ۱۳۷۸/۲۰۰۰)، تأثیر گسترده‌ای بر دنیای آلمانی‌زبان داشته است. پیدایش بسیاری از ترجمه‌هایی که پس از ترجمه پارت به زبانهای مختلف اروپایی صورت گرفته است، بدون کار لغوی بدیع او در ترجمه‌اش غیر قابل تصور است.



## ترجمه‌های قرآن ۹۱ □

در میان ترجمه‌های بسیار زیاد انگلیسی ترجمه آرتور جان آربری (۱۹۰۱-۱۹۶۹)، متخصص زبان عربی در کمبریج، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عنوان قرآن مترجم، اشاره به این دارد که وی طرفدار نظریه غیرقابل ترجمه بودن قرآن است؛ همان نظریه‌ای که در جهان انگلیسی‌زبان پیکتال بر آن بسیار تأکید ورزید. هدف آربری درست برخلاف بل «تقلید، ولو ناقص، از اسلوبهای بلاغی و سبک آهنگینی است که [مایه] شکوه و جلال قرآن است» و از آن مهم‌تر «نشان دادن اینکه هر سوره به شکلی یکپارچه یک اثر هنری است و بخشهای اغلب مختلف و نامرتبط آن از نظامی شگفت‌انگیز و باشکوه برخوردار است» (p.25). برگردان آربری به دلیل قالب زبانی‌اش، به ویژه در میان مسلمانان، جایگاهی ویژه یافت. همچنین ترجمه آن، ج. داوود که نخست با جلد شمیم توسط انتشارات پنگوئن به چاپ رسید (۱۹۵۶)، نیز فوق‌العاده رواج دارد. در میان ترجمه‌های فرانسوی، برگردان دینز ماسون (پاریس ۱۹۶۷)، تحت تأثیر لویی ماسینیون و مرهون رویکرد گفتمان با اسلام است. در ۱۹۹۰ دو ترجمه همزمان عرضه گردید. آندره شوراکی، که کتاب مقدس را هم ترجمه کرده بود، با زبان خاص عهدینش تلاش کرد بر پیوستگی سه دین توحیدی تأکید ورزد. برای ژاک پرک آنچه در درجه نخست اهمیت قرار دارد برگردان متن عربی به شیوه زبانی متناسب با سبک متن اصلی و همزمان ارائه توجیحات علمی برای ترجمه است. از سال ۱۹۵۵ برگردان ایتالیایی بونلی که بیشتر از آن یاد کردیم، به همراه اثر علمی ارزشمند آلساندرو بوزانی عرضه می‌شود. در زبان اسپانیایی ترجمه‌های خوان ورن (۱۹۶۳) و خولیو کورتس (۱۹۸۰) شایان ذکرند. از ترجمه‌های به لحاظ علمی با اهمیت در زبانهای اسلاوی باید به ترجمه روسی ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی (۱۹۶۳) و برگردان ایوان هرَبیک (۱۹۷۲) به زبان چک اشاره کرد.

## Bibliography

Bibliographies: I. Binark and H. Eren, *World bibliography of translations of the meaning of the holy Qur'an: Printed translations 1717-1980*, Istanbul 1986; V. Chauvin, *Bibliographie des ouvrages arabes ou relatifs aux Arabes publiés dans l'Europe Chrétienne de 1610 à 1887*, x. *Le Coran et la tradition*, Liège, Leipzig 1907; M. Cumbur, *Kur'an ve Kevâim in Türk dilinde basılmış tercüme ve tefsirleri*, Diyanet İşleri Başkanlığı Dergisi 1961:62, 123-11; id., *Türkçe Kur'an tefsir ve çevirileri bibliyografyası*, in *Yeni Fikirler* 4, 1959, 111-24; M.-L. Enay, *Mohammed und der Heilige Koran*, Hamburg 1907; M. Hamidullah, *Liste des traductions du Coran en langues européennes*, in id., *Le saint Coran. Traduction intégrale et notes*, Paris 1986, 2, 18-111; E. İhsanoğlu and M.N. Selerciöğlu eds., *World bibliography of the translations of the holy Qur'an in*

## منابع

*manuscript form*, Istanbul 2000; M.H. Khau, *English translations of the holy Qur'an. A bio-bibliographical study*, in 12, 30-1986, 82-108; J.D. Pearson, *Bibliography of translations of the Qur'ân into European languages*, in Beeston, *CHAL*, 1, 302-20; H.M. Sairi, *Qur'an in Pakistan. A bibliographical survey*, New Delhi 1982; C.F. de Schuerer, *Bibliotheca arabica*, Haec ad Salam 1811-repr. Amsterdam 1968; C.A. Storey, *Persian literature. A bio-bibliographical survey*, 1. *Qur'anic literature. History and biography* -pt. 1, London 1970; W.S. Woolworth, *A bibliography of Koran texts and translations*, in 17, 1927, 279-89; A. Yarmolinsky, *The Koran in Slavonic. A list of translations*, New York 1937; J.Th. Zanker, *Bibliotheca orientalis*, vols. 1-2, Leipzig 1846-61

reprt. Amsterdam 1966; S.M. Zwemer, *Translations of the Koran*, in *AH* 3 (1913) 241-49.  
**Primary:** *Alcorán. Traducción castellana de un morisco anónimo del año 1606*. Barcelona 2001; A.S. Ali, *The holy Qur'an. An interpretation in English, with the original Arabic text in parallel columns, a running rhythmic commentary in English, and full explanatory notes*. Lahore 1933; M.M. Ali, *The Holy Qur'an containing the Arabic text with English translation and commentary*. Lahore 1920; *Al-Koranum Mahomedanum. Das ist: Der Türkens Religion; Gesetz; und Gottselbsterliche Lehr...*. Nürnberg 1650-1661; Arberry: Th. Arnold, *Das Koran, Oder insgemein so genannte Alcoran des Mohammeds. Unmittelbar aus dem Arabischen Original in das Englische übersetzt, und mit beygefügten, aus den bestältesten Commentaribus genommenen Erklärung-Noten. Wie auch einer Einläufigen Einleitung versehen von George Sale, Gent. Aufs treulichste wieder ins Teutsch verdolmetschet*. Leing 1716; A. Arrivabene, ed., *L'Alcorano di Maometto, nel qual si contiene la doctrina, la vita, i costumi, e le leggi sue. Tradotto nuovamente dall'Arabo in lingua italiana*. [Venice] 1517; M. Asad, *The message of the Qur'an*. Gibraltar 1980; A. Bausani, *Il Corano. Introduzione, traduzione e commento*. Firenze 1955; R. Bell, *A commentary on the Qur'an*. ed. C.E. Bosworth and M.E.J. Richardson. 2 vols. Manchester 1991; id., *The Qur'an. Translated, with a critical re-arrangement of the Surahs*. 2 vols. Edinburgh 1937-9; J. Berque, *Le Coran. Essai de traduction de l'Arabe annoté et suivi d'une étude exégétique*. Paris 1990; Th. Bibliander [Buchmann] ed., *Mohammedis Sacrosanctarum principis, eiusque successorum vita, ac doctrina. Iosepho Alcoran...* 3 vols., Basel 1513, 1550; R. Blachère, *Le Coran. Introduction au Coran. Traduction nouvelle*. 3 vols., Paris 1947-50; id., *Le Coran (al-Qur'an) traduit de l'Arabe*. Paris 1957; J. Bonelli, *Il Corano. Nuova versione letterale italiana, con prefazione e note critico-illustrative*. Milan 1929; S.H. Boubakeur, *Le Coran. Traduction française et commentaires d'après la tradition, les différentes écoles de lecture, d'exégèse, de jurisprudence et de théologie, les interprétations mystiques, les tendances schismatiques et les doctrines hérétiques de l'Islam, et à la lumière des théories scientifiques, philosophiques et politiques modernes*. 2 vols., Paris 1972; new rev. ed., with foreword by his son, D. Boubakeur, Paris 1995; E.E. Boyseu, *Der Koran, oder das Gesetz für die Muselmänner, durch Mohammed, den Sohn Abdall, nebst einigen feyerlichen koranischen Gebeten, unmittelbar aus dem Arabischen übersetzt*. Halle 1773; J.M.T. Buczaeki, *Koran. Arab. Prosklad*. Warsaw 1858; V. Calza, *Il Corano. Versione italiana... con commenti, ed una notizia biografica di Maometto*. Bastia 1817; A. Chouraqui, *Le Coran-L'Appel. Traduit et présenté*. Paris 1990;

J. Cortes, *El Corán. Edición, traducción y notas*. Madrid 1979; J. Fredrik S. Grønstedt, *Alcoran, öfversatt från arabiska originalet jemte en historisk inledning*. Stockholm 1843; A.M. Daryabadi, *The holy Qur'an*. Karachi 1957; N.J. Dawood, *The Koran translated*. Harmondsworth 1956; A. Du Ryer, *L'Alcoran de Mahomet. Traduit d'arabe en François*. Paris 1617; J.H. Glazemaker, *Mahomets Alcoran, door de Heer Du Ryer uit d'Arabische in de Fransche taal gesicht; beneffens een tweevoudig beschryving van Mahomets leven; en een cytaal van des zelfs reis ten hemel, gelijk ook zijn samenspraak met de Jood, Abdias*. Amsterdam 1658; M. Hamidullah, *Le Coran. Traduction intégrale et notes*. Paris 1959; M. Heming, *Der Koran. Aus dem Arabischen übertragen und mit einer Einleitung versehen*. Leipzig n. d. [1991]; I. Herbek, *Koran*. Prague 1972; A. Kasimírski [Kazimírski], *Le Koran. Traduction nouvelle faite sur le texte arabe*. Paris 1840; Z. Khan, *The Qur'an. The eternal revelation revealed to Muhammad, the seal of the prophets. Arabic text with a new translation*. London 1971; I.J. Kračkovskij, *Koran. Periód i kommentarij*. Moscow 1916; J. Lange, *Vollständiges Türkisches Gesetz = Buch. Oder Des Ert. = Betriegers Mahomets Alcoran. Welches vorher niemals collommen herausgegeben / noch im Druck auffgeführt worden. Auß des Arabischen in die Französische Sprach übergesetzt; Durch Herrn du Ryer. Auß dieser aber in die Niederländische Durch H. J. Blasmusacker. so. Und jetzo Zum allerersten mahl in die Hochteutsche Sprache versetzt*. in E.W. Happel, ed., *The saure Frödenium, Oder eine mit Außländischen Karitäten und Geschichten Wohlverschene Schatz = Kammer Fürstend. Die Asiatische, Africanische und Americanische Nationes...*. Hamburg 1688; L. Marraeci, ed., *Alcorani textus universus. Ex correctioribus Arabum exemplaribus summa fide, atque pulcherrimis characteribus descriptus. Eodemque fide, ac pari diligentia ex Arabico idiomate in Latinum translatus. Appositis unicuique capiti notis, atque resolutione*. Padua 1698; D.E. Mejerlin, *Die türkische Bibel, oder des Korans allererste teutsche Übersetzung aus der arabischen Urschrift selbst verfertiget*. Frankfurt-am-Main 1772; E. Momet, *Le Coran. Traduction nouvelle*. Paris 1929; B. de Murguionde y Ugartondo, *El Alcorán, traducido fielmente al español, anotado y refutado según el dogma, la doctrina santa y la moral perfecta de la Santa Religión Católica, Apostólica, Romana, niceo-constantinense*. Madrid 1875; D. Nerretter, *Neu eröffnete Mahometanische Moschee; so, wimm nach Anführung der II. Abtheilung von unterschiedlichen Gottes Diensten der Welt-Alexander Rassens: Erstlich Der Mahometanischen Religion Anfang; Ausbeilung; Sehen; Regierung; mancherly Geböuche; und; vermuthlicher Untergang. Fürs andre. Der völlige Alcoran; Nach der besten Edition Ludovici Marraeci, veretsetzt; und*

*kurzlich widerlegt* 2nd. Nürnberg 1703; E.H. Palmer, *The Qur'an translated*, Paris I-II, Oxford 1880 = Sacred Books of the East, vols. vi and ix; R. Paret, *Der Koran, Kommentar und Konkordanz*, Stuttgart 1971; id., *Der Koran, Übersetzung*, Stuttgart 1962-1982; G.L. Pentakes, *Koranom, metajasthan et tom Arabikon kimonon*, Alexandria 1878; Pickthall, *Koran*; H. Reckendorf, *Al-Qur'an à la-Miqra*, Leipzig 1857; Ch. Reinneccius ed., *Mohammedis filii Abdallae pseudo-prophetæ Fides islamitica. I. E. Al-Coranus ex idiomate Arabico, quo primum a Mohammedo conscriptus est, Latine versus per Laurentium Maerzcranium... et ex ejusdem animadversionibus atque observationibus illustratus et expositus*, Lipsiae 1721; J.M. Rodwell, *The Koran, translated from the Arabic, the Surahs arranged in chronological order, with notes and index*, London 1861; A. Ross ed., *The Alcoran of Mahomet, Translated out of Arabick into French. By the Sieur du Ryer... And Newly Englished, for the satisfaction of all that desire to look into the Turkish Vanities. To which is prefixed the Life of Mahomet, The Prophet of the Turks, and Author of the Alcoran. With a Needful Caveat, or Admonition, for them who desire to know what use may be made of, or if there be danger in Reading the Alcoran*, London 1649; id., without mentioning his name, *The Life of Mahomet: Together with The Alcoran at large*, ... London 1718; F. Rückert, *Der Koran in der Übersetzung von F.R.*, ed. H. Bobzin with explanatory notes by W. Fischer, Würzburg 1993; G.S. Sablukov, *Koran. Peredel's arabizskogo jazyka*, Kazan 1877; G. Sale, *The Koran, Commonly called The Alcoran of Mohammed, Translated into English immediately from the Original Arabic; with Explanatory Notes, taken from the most approved Commentators. To which is prefixed A Preliminary Discourse*, London 1733; C.E. Savary, *Le Coran, traduit de l'arabe, accompagné de notes, et précédé d'un abrégé de la vie de Mahomet. Tirés des Écrivains Orientaux les plus estimés*, tomes 1-2, Paris 1783; id., *Lettres sur l'Égypte*, 3 vols. in 2, Paris 1785-6; S. Schweigger, *Alcoranus Mahometicus. Das ist: Der Türkischen Alcoran-Religion und Aberglauben*, Nürnberg 1616-1623; S. Swigger, *De Arabische Alkoran*, Hamburg 1611 [Dutch]; I.B. Szcdlnuayer and G. Gedeon, *Alkoran*, n.p. 1831; C.J. Tornberg, *Korānen, ifnan Arabiskan öfversatt. Med en inledande biografii öfver Muhammed*, Lund 1874; L. Ullmann, *Der Koran. Aus dem Arabischen wortgetreu neu übersetzt und mit erläuternden Anmerkungen versehen*, Grefeld 1840; J. Vermet, *El Corán. Traducción y notas*, Barcelona 1963; S.E.G. Wahl, *Der Koran oder das Gesetz der Moslemen durch Muhammed den Sohn Abad'us, Auf den Grund der vormaligen Verdeutschung E.E. Beyers von neuem aus dem Arabischen übersetzt*, Halle 1828; K.N. Zettersteen, *Korānen, öfversatt ifnan Arabiskan*, Stockholm 1917.

Secondary; N. Abbott, Arabic-Persian Koran of the late fifteenth or early sixteenth century, in *Is Islamica* 6 (1939), 191-4; M.A.M. Abou Sheisha, The translation of the Qur'an. A selective bibliography 1971-2003, on [http://www.quran.org.uk/articles/ich\\_quran\\_european\\_studies.htm](http://www.quran.org.uk/articles/ich_quran_european_studies.htm); R.D. Abubakre, *Linguistic and non-linguistic aspects of Qur'an translating to Yoruba*, Hildesheim 1986; M. Ali, Doctrine e attività dei Musulmani Ahmadiyya di Lahore, in *Oriente moderno* 6 (1926), 108-23; M. Ali, d'Alveerly, Deux traductions latines du Coran au Moyen Age, in *Archives d'histoire doctrinale et littéraire du Moyen Age* 22-23 (1917), 18-19-131 repr. in id., *La connaissance de l'Islam dans l'Occident médiéval*, Aldershot 1994, no. 1; id., Quelques manuscrits de la "Collectio Toletana" in G. Constable ed., *Petrus Comarabilis 1176-1195*, Rome 1956, 292-18 repr. in id., *La connaissance de l'Islam dans l'Occident médiéval*, Aldershot 1994, no. III; id. and G. Vajda, Marc de Tolède, traducteur d'Abū Tūmārī, in *al-Andalus* 16 (1951), 100-40, 259-297; 17 (1952), 1-56 repr. in id., *La connaissance de l'Islam dans l'Occident médiéval*, Aldershot 1994, no. II; M. Asad, *Kann der Koran übersetzt werden?* Genf 1964; E. Aubin, Les traductions du Coran en Chinois, in *Études Orientales - Dirāsāt Shaqīyiyā* 13-14 (1994), 31-8; M. Ayoub, Translating the meanings of the Qur'an: Traditional opinions and modern debates, in *Inquiry* 3 (1986), 31-9; A. Bausani, On some recent translations of the Qur'an, in *Vision* 4 (1957), 75-81; C. Bezold ed., *Orientalische Studien: Theodor Nöldeke zum siebenzigsten Geburtstag (2 März 1906) gewidmet von Freunden und Schülern und in ihrem Auftrag*, 2 vols. in 1, Gieszen 1906; J.K. Bigge, Turkish translations of the Koran, in *MW* 28 (1933), 394-9; E. Birnbaum, On some Turkish interlinear translations of the Koran, in *Journal of Turkish studies* 13 (1939), 113-38; H. Bobzin, Latin Translations of the Koran. A short overview, in *Der Islam* 70 (1993), 193-206; id., *Reformation: A. Bodrogligei*, The Persian translation of the Koran in Latin letters, in *AOH* 13 (1961), 261-76; T.E. Burman, The Latin-Arabic Qur'an edition of Egidio da Viterbo and the Latin Qur'āns of Robert of Ketton and Mark of Toledo, in M. Barceló and J. Martínez Gázquez, eds., *Musulmanes y cristianos en Hispania durante las conquistas de los siglos XII y XIII*, Bellaterra 2005, 103-17; id., *Faith and translation. Traditional Arabic Qur'an exegesis and the Latin Qur'āns of Robert of Ketton and Mark of Toledo*, in *Speculum* 73 (1998), 703-32; D. Cabanellas Rodríguez, Juan de Segovia y el primer Alcorán Trilingüe, in *al-Andalus* 14 (1919), 149-73; id., *Juan de Segovia y el problema islámico*, Madrid 1952; T.I. Chinniah, The holy Qur'an in Telugu, in *Islam in*

- India* 1 (1982) : 143-54; G. Dale, A Swahili translation of the Koran, in *MO* 14 (1921) : 3-9; E. Dammann, Die von der Ahmadiyyah herausgegebene Übersetzung des Korans in das Swahili, in *ZDMG* 106 (1936) : 135-44; R. Dankoff, Some notes on the Middle-Turkic glosses, in *Journal of Turkish studies* 3 (1981) : 41-4; P.P. Das, Zur ersten bengalischen Koranübersetzung, in *Der Islam* 50 (1982) : 122-3; C. De Frede, *La prima traduzione italiana del Corano sulla sfondo dei rapporti tra Cristianità e Islam nel Cinquecento*, Naples 1967; J.B. Derost, Notice sur André du Ryer, in *Bulletin de la Société d'Etudes du Brionnais* (1935) : 237-52; M. Dexic, Une traduction inédite du Coran, in *JdB* 1883 : 343-406; J. Eckmann, Eastern Turkish translations of the Koran, in L. Ligeti ed., *Studia turcica*, Budapest 1971 : 149-59; id., *Middle-Turkic glosses of the John Rylands interlinear Koran translation*, Budapest 1976; A. Fischer, *Der Wort der vorhandenen Koran-Übersetzungen und Sura 111*, Leipzig 1977 = *Berichte über die Verhandlungen der Sächsischen Akademie der Wissenschaften, Phil.-hist. Klasse* 89 (1937), 2 : J. Fück, *Die arabischen Studien in Europa bis in den Anfang des 20. Jahrhunderts*, Leipzig 1935; id., Zur Frage der Koranübersetzung, in *OZ* 47 (1944) : 165-68 (repr. in id., *Arabishe Kultur und Islam im Mittelalter*, Weimar 1981) : 116-18; J.M. Gázquez, Finalidad de la primera traducción Latina del Corán, in M. Barceló and J. Martínez Gázquez eds., *Musulmanes y cristianos en Hispania durante las conquistas de los siglos XII y XIII*, Bellaterra 2005 : 71-7; id., Observaciones a la traducción Latina del Corán (Qur'an) de Robert de Ketton, in J. Hamesse ed., *Les traducteurs au travail. Leurs manuscrits et leurs méthodes*, Turnhout 2001 : 115-27; id., Los primeros nombres de Allāh en la traducción Latina del Alcorán de Robert de Ketton, in *Euphrosyne* NS 33 (2005) : 303-13; id., El Prólogo de Juan de Segovia al Corán (*Qur'ān*, trilingüe 1156), in *Mittelaltliches Jahrbuch* 38 (2005) : 389-410; id., Trois traductions médiévales latines du Coran, Pierre le Venerable – Robert de Ketton, Marc de Tolède et Jean de Segovia, in *Revue des études latines* 80 (2002) : 223-36; Cl. Gilliot, Le Coran. Trois traductions récentes, in *SI* 75 (1992) : 159-77 (on the translations of J. Berque [Paris 1990], A. Chouraqui [Paris 1990] and R. Khawam [Paris 1990]); P.A. Grayznevich, Koran v Rossi. Izuchenie, Prevedy i Izdaniya, in id. and S.M. Prozorov eds., *Islam: Religiya, Obshchestvo, Gosudarstvo*, Moscow 1984 : 76-82; A. Hamilton and E. Richard, *André du Ryer and Oriental studies in seventeenth-century France*, London 2004; J.D. Holway, The Qur'an in Swahili. Three translations, in *MO* 61 (1971) : 102-10; M.M. Husine, The rendering of the holy Quran into Kamada, in *Islam in India* 1 (1982) : 155-60; E. İhsanoğlu, A study on the manuscript translations of the meanings of the holy Qur'an, in J. Cooper ed., *The significance of Islamic manuscripts. Proceedings of the Inaugural Conference of al-Furqan Islamic Heritage Foundation*, London 1992 : 79-103; M. Karimnia, Bibliography: European studies on translation of the holy Qur'an, on [http://www.quran.org.uk/articles/ieb\\_quran\\_european\\_studies.htm](http://www.quran.org.uk/articles/ieb_quran_european_studies.htm); M. Keyser ed., *GlaZemaker 1682-1982. Catalogus bij een tentoonstelling over de vertaler Jan HendriksZ. GlaZemaker*, Amsterdam 1982; M.H. Khan, A history of Bengali translations of the holy Qur'an, in *MO* 72 (1982) : 129-36; id., Translation of the holy Qur'an in African languages, in *MO* 77 (1987) : 250-8; M.Y. Kogan, The holy Quran in Tamil translation, in *Islam in India* 1 (1982) : 135-42; M.M. Koyakuty, Malayalam renderings of the holy Qur'an, in *Islam in India* 2 (1983) : 229-36; G. Lazard, Lumières nouvelles sur la formation de la langue Persane. Une traduction du Coran en Persan dialectal et ses affinités avec le Judéo-Persan, in S. Shaked and A. Netzer eds., *Iran, Judaea II. Studies relating to Jewish contacts with Persian culture throughout the ages*, Jerusalem 1969 : 184-98; C. López-Morillas, Lost and found? Yea of Segovia and the Qur'an among the Mudejars and Moriscos, in *JIS* 10 (1999) : 277-92; id., *The Qur'an in sixteenth century Spain. Six Morisco versions of Sura 79*, London 1982; H. Ma'ayari, History of translations of the meanings of the holy Qur'an into the Polish language, in *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs* 7 (1986) : 538-46; id., History of the works of qur'anic interpretation (tafsir) in the Kurdish language, in *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs* 7 (1986) : 268-74; id., Translations of the meanings of the holy Qur'an into minority languages. The case of Africa, in *Journal of the Institute of Muslim Minority Affairs* 14 (1994) : 156-80; S.P. Manzoor, The Swedish translations of the holy Qur'an, in *Proceedings of the Symposium on Translations of the Meanings of the Holy Qur'an*, Istanbul 1986; N. Matar, *Alexander Ross and the first English translation of the Qur'an*, in *MO* 88 (1998) : 81-92; G.M. Meredith-Owens, Notes on an old Ottoman translation of the Kur'an, in *Oriens* 10 (1937) : 258-76; J.E. Merrill, *Dr. Bell's critical analysis of the Qur'an*, in *MO* 37 (1917) : 141-48 (repr. in Paret [ed.], *Koran*, 11-24); A. Mingana, An ancient Syriac translation of the Qur'an exhibiting new verses and variations, in *Bulletin of the John Rylands Library* 9 (1925) : 188-235; id., An important old Turki manuscript in the John Rylands Library, in *Bulletin of the John Rylands University Library* 2 (1913) : 129-38; V. Monteil, Un Coran Ahmadi en Swahili, in *Bulletin de l'Institut Fondamental d'Afrique*, No 29

- 1967, 479-93; A. Morimoto, A brief history of the holy Qur'an translation into Japanese, in *Islamic cultural forum* 9-10, 1978, 22-6; 18-23; K. Nait-Zerred, Un essai de traduction du Coran en Berbère, in *Etudes et documents berbères* 10, 1993/1, 241-6; C.A. Nallino, Le fonti arabe manoscritte dell'opera di Ludovico Marracci sul Corano, in M. Nallino (ed.), *Raccolta di scritti editi e inediti*, 6 vols., Roma 1910, II, 90-134; N. Nazifoff, The Bulgarian Koran, in *MO* 23, 1933, 187-90; R. Paret, *Grenzen der Koranförschung*, Stuttgart 1950; id., Der Plan einer neuen, leicht kommentierten wissenschaftlichen Koranübersetzung, in id., ed., *Orientalistische Studien F. Littmann zu seinem 70. Geburtstag überreicht*, Leiden 1935, 121-30; id. and J.D. Pearson, al-Kur'ān, 9, Translations of the Kur'ān, in *IE*, v, 429-32; N. Petrus I. Pons, Marcos de Toledo y la segunda traducción latina del Corán, in M. Barceló and J. Martínez Gázquez (eds.), *Musulmanes y cristianos en Hispania durante las conquistas de los siglos VII y VIII*, Bellaterra 2005, 87-94; A. Popovic, Sur une "nouvelle" traduction du Coran en Serbo-Croate, in *Arabica* 20, 1973, 32-4; M.G. Qureshi, The Gujarati editions of the Qur'an, in *Islam in India* 1, 1982, 161-7; D. Rabbar, Aspects of the Qur'an translation, in *Babel* 9, 1963, 60-3; N. Robinson, Sectarian and ideological bias in Muslim translations of the Qur'an, in *Islam and Christian-Muslim relations* 8, 1997, 261-73; E.D. Ross, Ludovico Marracci, in *NSAAS* 2, 1921/3, 117-23; V. Salierno, Le edizioni Italiane del "Corano," in *L'Esopo* 13, 1982, 6, 7, 29-33; S.A. Sanabas, Translations of Qur'ān in Malayalam, in *Islam and the modern age* 21, 1993, 273-9; A. Schimmel, Die neue tschechische Koranübersetzung, in *MO* 7-1973/4, 154-62; id., A new Czech translation of the Qur'an, in *Studies in Islam* 15, 1978, 171-6; id., Translations and commentaries of the Qur'an in Siidhi languages, in *Oriens* 16, 1963, 221-33; M. Seth, A manuscript Koran in classical Armenian, in *Journal and proceedings of the Asiatic Society of Bengal* NS 19, 1923, 291-4; M. Shakir, *al-Qur'ān al-faṣṣṣ fi tarjamāt al-Qur'ān al-karīm ilā l-lughāt al-a-jamīyya*, Cairo 1925; S.A. Sharaduddin, *A brief survey of Urdu translations of the Qur'ān*, Bombay 1981; E. Teza, Di un compendio del Corano in spagnolo con lettere arabiche -manoscritto fiorentino, in *Revue de l'Académie des Lincei. Cl. di scienze morali, storiche e filologiche*, Ser. 1, no. 7, 1891, 31-3; Z.N. Togan, The earliest translation of the Qur'an into Turkish, in *İslâm İttihakları Enstitüsü Dergisi* 3, 1964, 1-19; J. Tolan, Las traducciones y la ideología de reconquista: Marcos de Toledo, in M. Barceló and J. Martínez Gázquez (eds.), *Musulmanes y cristianos en Hispania durante las conquistas de los siglos VII y VIII*, Bellaterra 2005, 79-85; J. Vernet, Traducciones moriscos de El Corán, in W. Hoernerbach (ed.), *Der Orient in der Forschung. Festschrift für Otto Spies*, Wiesbaden 1967, 686-703; id. and L. Moraleda, Un Alcorán fragmentario en aljamiado, in *Boletín de la Real Academia de Buenas Letras de Barcelona* 33, 1969-70, 43-77; K. Versteegh, Greek translations of the Qur'an in Christian polemic 9th century A.D., in *zoro* 14, 1991, 52-68; P. Wesler, Christian, Jewish and Muslim translations of the Bible and Koran in Byelorussia: 16th-19th centuries, in *Journal of Byelorussian studies* 6, 1969, 12-19; J. Yüjü, The Qur'an in China, in *Asian studies* 17, 1982, 95-101; K.A. Zettersteen, Some chapters of the Koran in Spanish transliteration, in *MO* 5, 1911, 39-41.